

## مقاله علمی

# مطالعه مردم‌شناختی روستای گلین از توابع شهرستان سنندج با استفاده از رویکرد تک‌نگاری\*

زانیار گفتاری<sup>۱</sup>، محمدمین خراسانی<sup>۲</sup>

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۶، تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۱۰/۰۳)

### چکیده

گلین یکی از روستاهای کوهستانی و ثبت شده در منظر ملی و جهانی هورامان/اورامانات در شهرستان سنندج است که ظرفیت‌های طبیعی و انسانی منحصر به فردی دارد. هدف این پژوهش، مطالعه مردم‌شناختی روستای گلین در بازه زمانی زمستان ۱۳۹۸ تا اواخر ۱۳۹۹ است. پژوهش حاضر به صورت کیفی، از نوع توصیفی با رویکرد تک‌نگاری است که در آن با اتکاء به تجربه زیسته و انجام مشاهدات، مصاحبه‌ها و عکسبرداری، داده‌ها گردآوری شده است. جامعه مورد مطالعه شامل همه ساکنان روستای گلین است. در توصیف ویژگی‌ها با رویکرد تک‌نگاری و به منظور شناخت کامل روستا سعی شده است همه سطوح تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و محیطی در نظر گرفته شود. در نهایت پیشنهاداتی از جمله انجام پژوهش بیشتر درباره جوانب تاریخی روستا، نقش زنان در زندگی روزمره، استفاده از نخبگان و جوانان تحصیل کرده و اهمیت گردشگری کشاورزی به ویژه گردشگری هوار در توسعه روستا بیان شده است.

**کلیدواژه‌ها:** تک‌نگاری، مردم‌شناسی، روستا، شهرستان سنندج، روستای گلین

---

\* این مقاله برگرفته از رساله دکتری است.

۱ دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه تهران، تهران، ایران

geo.zanyar@yahoo.com

۲ استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

khorasani\_ma@ut.ac.ir

## مقدمه

روستاها یکی از قدیمی‌ترین واحد تشکیلاتی و اجتماعی در ایران به شمار می‌روند. آنها به عنوان کوچکترین واحد زیستی، در بخش‌بندی کشوری، نیازمند جایگاه مناسب در چرخه توسعه کشور هستند (رضوانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۰۰). امروزه در برنامه‌ریزی‌های اجتماعی آگاهی و اطلاع از ویژگی‌های انسانی متناسب با محیط زندگی افراد به اندازه‌ای مهم است که بدون توجه به آنها تبیین و اجرای برنامه‌های توسعه کمتر مقرون به موفقیت و اثربخشی خواهد بود. مردم‌نگاری<sup>۱</sup> از نظر لغوی به معنای توصیف شیوه زندگی یک قوم یا طایفه یا گروهی از مردم است. منظور از مردم‌نگاری مطالعه باورها، ارزش‌ها، دیدگاه‌ها و علایق مردم و چگونگی تکامل یا تغییر آن در طول زمان و از موقعیتی به موقعیت دیگر است (Woods, 1986). یک مردم‌نگار باید فعالیت‌های انسانی و شیوه تفسیر واقعیت‌ها در بستر زندگی روزمره توسط مردم را مطالعه کند و شرایط و رویکردهای مشارکت‌کنندگان و ارزش‌های پنهان جامعه مورد مطالعه را تعریف و تحلیل کند (Troman & et al., 2005). تک‌نگاری یکی از مهم‌ترین روش‌های پژوهش در مطالعات مردم‌شناسی و به معنی مطالعه دقیق و همه‌جانبه ویژگی‌های مادی و غیرمادی فعالیت‌های انسانی در جامعه‌ای محدود است (عبدلی آشتیانی، ۱۳۹۶). مونوگرافی یا تک‌نگاری عبارت است از بررسی عمیق و همه‌جانبه یک امر اجتماعی یا مجموعه اخلاقی کاملاً محدود مانند خانواده، یک گروه یا یک روستا یا یک کارخانه و غیره. در واقع در این تکنیک یک روستا یا یک کارخانه یا یک گروه محدود را انتخاب و سعی می‌کنیم جوانب و زوایای گوناگون واقعیت را به طور عمیق و همه‌جانبه مورد مطالعه قرار بدهیم (قرائی مقدم، ۱۳۸۲: ۱۱۸). احسان نراقی<sup>۲</sup> در مقدمه کتاب طالب‌آباد اثر جواد صفی‌نژاد، در تعریف این روش می‌نویسد: «تک‌نگاری توصیفی است ژرف و دقیق از یک شخص (بیوگرافی) یا یک واحد اجتماعی مانند خانواده، طایفه، قبیله، قشر اجتماعی یا یک ده که جنبه‌های مختلف آن را در برمی‌گیرد. تک‌نگاری بر اساس مشاهده مستقیم و عینی استوار است. محقق با شرکت فعال در زندگی مردم جامعه مورد بررسی، معاشرت مستمر با آنها و به کار بردن فنون مصاحبه و پرسشنامه، وقایع و امور اجتماعی را از نزدیک مشاهده، مطالعه و توصیف می‌کند. تک‌نگاری نه تنها جنبه‌های گوناگون حیات اجتماعی از جغرافیا گرفته تا

1 Ethnography

2 <https://wikiroosta.ir>

ساخت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، خانوادگی، ارزش‌ها، نهادها، هنجارهای اجتماعی و ویژگی‌های مختلف دیگر یک واحد اجتماعی را به نحو دقیق تصویر می‌کند، بلکه به روابطی نیز که در درون این ساخت‌ها موجود است، توجه دارد و آنها را تعیین می‌کند» (صفی‌نژاد، ۱۳۴۵). در تک‌نگاری از فنون مختلف مصاحبه، مشاهده، پرسشنامه، اسناد و مدارک و ... استفاده می‌شود و از آنجا که در این روش، تمام جوانب مربوط به یک موضوع واحد، مورد توجه قرار می‌گیرد، شناخت دقیق همه جوانب یک امر یا موضوع، به راحتی انجام می‌شود (رنجبر و ستوده، ۱۳۸۰: ۹۶-۹۵). بارزترین مشخصه مردم‌نگاری، مشاهده مشارکتی است (فاضلی، ۱۳۸۶).

### روش پژوهش

قوم‌نگاری (اتنوگرافی) به عنوان یکی از روش‌های تحقیق کیفی با درگیری فعال محقق در میدان، به دنبال مشارکت در توسعه معرفت علمی از گروه‌ها یا فرهنگ‌ها است<sup>۱</sup>. مشاهده مورد مطالعه در شرایط طبیعی و در نهایت تحلیل و ارزیابی یافته‌ها در زمینه و بستر مورد مطالعه، باعث دیدی جامع‌نگر در تحقیق قوم‌نگاری با اعتبار نسبتاً بالایی شده است. قوم‌نگاری بر اساس بنیان نظری مبتنی بر فرهنگ و با دیدی کل‌گرایانه به مطالعات عمیق برای توصیف دقیق و فشرده از مورد مطالعه می‌پردازد (ایمانی، ۱۳۸۱: ۳۷). در واقع مردم‌نگاری از نظر لغوی به معنای توصیف شیوه زندگی یک قوم یا طایفه یا گروهی از مردم است (Woods, 1986). تحقیق موردی رویکردی است که هر واحد اجتماعی را به عنوان یک کل می‌نگرد<sup>۲</sup>. هدف روش مطالعه فردی، توصیف و تبیین هر چه جامع‌تر مجموعه‌های منفرد است، مانند: یک شرکت سهامی زراعی (ازکیا و دربان استانه، ۱۳۸۲: ۳۵۹). این پژوهش از نوع مطالعات مردم‌نگاری است. این روستا در بخش سیروان شهرستان سنندج واقع در استان کردستان قرار دارد. جامعه مورد مطالعه شامل همه افراد ساکن در روستای گلین هستند. نگارنده با توجه به تجربه زیسته و اینکه ساکن روستای مذکور بوده با تکیه بر مشاهدات و پژوهش‌های میدانی که از طریق مصاحبه، مشاهده، عکس و اسناد انجام شده، به گردآوری داده‌ها پرداخته است. در تحلیل داده‌ها با رویکرد تک‌نگاری و به منظور شناخت کامل روستا تلاش شده است همه سطوح توصیفی در نظر گرفته شود و در نهایت گزارش توصیفی آن به صورت تک‌نگاری انجام شد.

1 <https://akharinkhabar.ir>

2 <http://www.iranresearches.ir>

## یافته‌ها

### جغرافیای طبیعی و تاریخی روستا

#### موقعیت منطقه مورد مطالعه

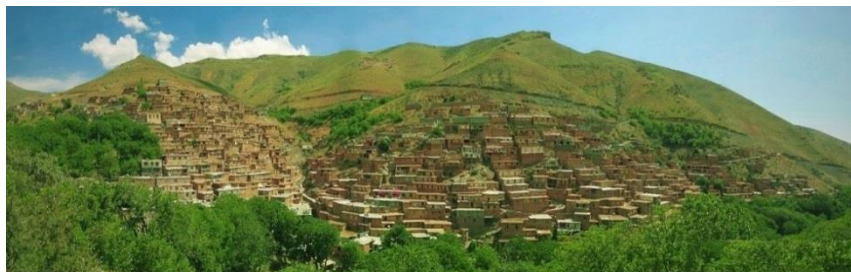
روستای گلین، یکی از روستاهای بخش سیروان شهرستان سنندج واقع در استان کردستان است. استان کردستان منطقه‌ای واقع در غرب کشور است که استان‌های زنجان، همدان، کرمانشاه، آذربایجان غربی و اقلیم کردستان عراق در پیرامون آن قرار دارند. شهرستان سنندج در مرکز استان با وسعت ۳۲۸۴۰۰ هکتار، ۱۱ درصد از سطح استان را در برمی‌گیرد. این شهرستان از شرق به شهرستان دهگلان، از غرب به شهرستان سروآباد و مریوان، از جنوب به شهرستان کامیاران و از شمال به شهرستان دیواندره محدود شده است. این منطقه با متوسط بارندگی بلندمدت ۴۵۰ میلیمتر در سال و متوسط دمای ۱۱ درجه سانتی‌گراد، جزء مناطق سرد و کوهستانی کشور به شمار می‌رود. غالب بافت این شهرستان را روستاهای آن تشکیل می‌دهند و ۲۰۴ آبادی در چهار بخش مرکزی، سیروان، حسین‌آباد و نران پراکنده‌اند.



عکس (۱): نقشه موقعیت سیاسی روستای گلین، ۱۳۹۹

#### معرفی منطقه مورد مطالعه

روستای گلین، یکی از روستاهای دهستان میانرود است که در بخش سیروان شهرستان سنندج در فاصله ۴۵ کیلومتری جنوب غربی شهر سنندج در استان کردستان قرار دارد. ۱۵ کیلومتر از طریق جاده سنندج به کرمانشاه تا سه‌راهی روستای سو و ۲۳ کیلومتر از طریق جاده ژاوه‌رود به سد ژاوه تا پل وصی و در نهایت ۷ کیلومتر جاده آسفالت تا روستا ادامه دارد.



عکس (۲): روستای پلکانی گلین، بهار ۱۳۹۹

جمعیت آن ۱۱۳۵ نفر ثابت است که در قالب ۳۴۴ خانوار در آن زندگی می‌کنند. این روستا در یک منطقه کوهستانی واقع شده است و همین ظرفیت قابل قبولی را برای فعالیت‌های کشاورزی به ویژه باغداری و گردشگری ایجاد کرده است. بدین ترتیب شغل غالب مردم منطقه کشاورزی است. مردم این روستا همگی مسلمان و شافعی‌مذهب هستند و به زبان کردی گورانی، لهجه اورامی تکلم می‌کنند. بیشتر ساکنان این روستا به حرفه کشاورزی و تعدادی نیز به پرورش دام سبک مشغول هستند. شمار اندکی هم در کنار زراعت، کار پرورش زنبور عسل و غیره را انجام می‌دهند.

روستای گلین در ۴۶ درجه و ۸۱ دقیقه طول جغرافیایی و در ۳۵ درجه و ۱۳ دقیقه عرض جغرافیایی در ارتفاع ۱۸۵۰ متری از سطح دریا قرار دارد. کوه چشمه‌سفید با ارتفاع ۲۷۴۶ متر و خروجی رودخانه ژاوه‌رود حد فاصل کوه قلعه هرسونگ با ارتفاع ۱۲۷۰ متر، بلندترین و پست‌ترین نقطه روستای گلین هستند. این روستا از سمت شرق با روستاهای سواریان، سو، ذره کوله، آندراب، ذرویشان، کانی شیلانه و بزلانه، از سمت جنوب با روستاهای دولاب، نزاز، وصی غلیا و وصی سغلی، از سمت غرب با روستاهای نیّر، محراب، تنگی سر و از سمت شمال با روستاهای شیان، توریور، هشمیز و خانقاه گلین هم‌مرز و همسایه است.

### وجه تسمیه

در مورد وجه تسمیه این روستا، نظرهای متعددی وجود دارد که معتبرترین آن به قرار زیر است. در گویش محلی «گهل» گل به معنای همکاری است. به مرور زمان به خاطر یکجانشینی طوایف کوچنده و داشتن روحیه همکاری و اتحاد با یکدیگر به گلین تغییر یافته است. وجه تسمیه دیگر روستای گلین از کلمه کُردی «گلی» گرفته شده است که به معنی دره‌های تنگ

است و به احتمال زیاد این نام‌گذاری به دلیل شرایط این منطقه بوده است (شرف‌کندی، ۱۳۶۹). همچنین گلین یک واژه ترکی به معنای عروس است که شاید به دلیل زیبایی‌های فراوان این روستا باشد، هر چند معانی اول و دوم بیشتر به واقعیت نزدیک است. تاریخ نوشته و اثری که قدمت زمانی گلین را دقیقاً معلوم کند، در دست نیست. ولی قدمت ۱۵۰۰ ساله را برای آن تخمین می‌زنند (سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان کردستان، ۱۳۹۹) و آن را از کهن‌ترین زیستگاه‌های انسانی در اورامان می‌دانند. آثار (سفالینه‌ها، سکه‌ها، مجسمه‌ها و اشیاء پیدا شده توسط اهالی روستا) و بناهای تاریخی موجود در گلین مربوط به دوره‌های تاریخی و کهن است. این آثار نشان‌دهنده قدمت این زیستگاه انسانی است. متأسفانه کاوش‌های باستان‌شناسی در روستا انجام نشده و این وضعیت، سودجویان آثار باستانی را بیشتر ترغیب کرده است.

### دلایل استقرار و شکل‌گیری

گلین به موازات خط‌الرأس کوه‌های زاگرس شمالی در کردستان در شیب نسبتاً تندی قرار گرفته است. جهت خط‌الرأس‌ها با جهت دره موازی است. به طور کلی این روستای کوهستانی و بیلاقی از نظر شکل و ساختمان، در دره‌ای چین‌خورده با رشته‌کوه‌های متعدد قرار گرفته است. از مهمترین دلایل شکل‌گیری روستا در این منطقه را می‌توان وجود اقلیم مناسب و مراتع سرسبز، آب فراوان و وجود کوه‌های پربرف و ... دانست. وجود آب، هوا و خاک مناسب موجب شده است که گونه‌های مختلف گیاهی و جانوری به وجود آید. شکل طبیعی منطقه نشان‌دهنده آن است که مسئله امنیت نیز به دقت در انتخاب مکان روستا مورد توجه بوده است (عبادی و همکاران، ۱۴۰۰). علاوه بر این روستا بر روی دامنه‌ای با شیب تند، سنگلاخی و مرتفع قرار گرفته و از اطراف با کوه‌ها احاطه شده است. نحوه استقرار روستا بر روی شیب را می‌توان با عوامل زیر مرتبط دانست: ۱- ایجاد نوعی حفاظ در برابر اشراق و تأمین امنیت، ۲- قرار نگرفتن در جهت وزش بادهای شدید، ۳- صرفه‌جویی در زمین‌های حاصلخیز و محدود خود و تلف نکردن آن برای ساخت خانه، ۴- استفاده از منظره سرسبز دره و اشراف بر باغ‌ها و زمین‌های حاصلخیز خود، ۵- استفاده از نور آفتاب، به طوری که جهت کلی خانه‌های گلین رو به آفتاب است، ۶- احتراز از خطر وجود سیلاب، ۷- کمک گرفتن از بستر طبیعی کوه برای داشتن پی‌های محکم، ۸- دسترسی به آب چشمه‌های بیلو و خانمه و ... مردم اورامان و

ژاوه‌رود با توجه به اینکه در دامنه‌های پرشیب زندگی کرده‌اند، قدر خاک و زمین را بیشتر از سایرین دانسته‌اند. زیرا با نگاهی به این مناطق می‌توان دید که اکثر روستاها بر روی زمین‌هایی ساخته شده‌اند که برای کشاورزی مناسب نیست و بیشتر سنگی هستند و زمین‌هایی که مرغوب و حاصلخیزند، برای کشاورزی و باغداری نگه داشته شده است. اکثر خانه‌ها به صورت پلکانی و بر روی یکدیگر ساخته شده‌اند و بر روی کوچه‌ها و خیابان‌های آن، دالان‌هایی نیز ساخته شده است. ویژگی منحصر به فرد دالان‌های روستای گلین، عبور ماشین‌ها از زیر بعضی از این دالان‌ها است که در هیچ جای دیگر یافت نمی‌شود.



عکس (۳): عبور ماشین از زیر دالان، ۱۳۹۹



عکس (۴): برف و نمای دهانه دالان، ۱۳۹۹

## آب و هوا

گلین که در حوزه آبریز سیروان قرار گرفته است، آب و هوای سرد و نیمه‌خشک تا معتدل کوهستانی دارد. در واقع کوهستانی بودن منطقه باعث شده است که با وجود قرار گرفتن این روستا در محدوده سرد و نیمه‌خشک، ۵۰۰ الی ۷۰۰ میلی‌متر بارندگی داشته باشد و بیش از ۱۵۰ روز در شرایط یخبندان باشد. از سوی دیگر وجود چشمه‌های فراوان در منطقه، موجب سرسبزی دره گلین شده است. بارندگی در سه فصل پاییز، زمستان و بهار رخ می‌دهد و اغلب به صورت ریزش برف است. اما در تابستان بارشی وجود ندارد. متوسط بارندگی سالانه ۵۵۰ میلیمتر و متوسط دما و رطوبت سالیانه به ترتیب ۱۰ درجه و ۶۵ درصد است.

## طبیعت و حیات وحش

مردم گلین برای گیاهان و جانوران منطقه ارزش اقتصادی، بهداشتی و اجتماعی قائل هستند و این کاربردها تا حدی زیاد است که می‌توان کتاب مستقلی در مورد آن نوشت. در این ناحیه گونه‌های جانوری و گیاهی متعددی یافت می‌شود که در جدول زیر اسامی تعدادی از آنها بیان شده است.

جدول (۱): اسامی تعدادی از حیوانات، گیاهان و پرندگان به صورت معادل فارسی و فونتیک

گیاهان و درختان			پرندگان			حیوانات		
فونتیک	معادل فارسی	نام محلی	فونتیک	معادل فارسی	نام محلی	فونتیک	معادل فارسی	نام محلی
Rivavi	ریواس	ری واوی	Halo	عقاب	هه‌لو	Hasha	خرس	هه‌شه
Pichek	پیچک	پیچک	Washa	شاهین	واشه	Varg	گرگ	ورگ
Gozervana	گل گاوزبان	گوزروانه	Shabwa Karah	جغد	شابووَ کِه‌رِه	Xok	خوک	خوک
Ghenar	کنگر	قِه‌نِه‌ر	Jaraj	کبک	ژَرَر	Rovas	روباه	رُواس
Van	بنه (سقز)	وَن	Merichleh	گنجشک	مِریچ‌لِه	Horishe	خرگوش	هوریشه
Belch	زالزالک	بِه‌لِج	Gheshghare	کلاغ دم دراز	قِشَقَه رِه	Semora	سنجاب	سیموره
Baloo	بلوط	بِه‌لُ	Ghejalkeh	جیجاخ	قِژال‌کِه	Joojoo	جوجه تیغی	ژُژو



گیاهان و درختان			پرندگان			حیوانات		
فونتیک	معادل فارسی	نام محلی	فونتیک	معادل فارسی	نام محلی	فونتیک	معادل فارسی	نام محلی
Vazi	گردو	وژی	Ghalaw	کلاغ	قالاو	Chalaka	گورکن	چاله‌که
Hamroo	گلابی	هه‌مرو	Kargah Siawy	مرغ سیاه	که‌رگه سیاوی	Shishol	راسو	شیشو ل
Tefachameh	توت سفید	تفه‌چهره ه	Kavateri	کبوتر	کاوتری	Resgh	موش درختی	رسق
Hanjir	انجیر	هه‌نجیر	Seerah	سیره	سیره	Ghorvaghi	قورباغه	قرواقی

## هوار

«هوار» گردی یا گردشگری هوار یکی از شاخه‌های گردشگری روستایی منحصربه‌فرد در استان کردستان است که به دلیل ارتفاع بالا و خنکی هوا و چشمه‌های زیادی که در آن وجود دارد، در فصل‌های بهار و تابستان میزبان گردشگران و مسافران است. یکی دیگر از ویژگی‌های جذاب این روستا وجود تفرجگاه‌ها در روستا است که نمود کامل آن در هوارهای وارساوه، مه‌نگیله، سه‌ردزه، آلفی آغه، هه‌رسوئنگ و ... روستای گلین تجلی پیدا می‌کند که شامل دیدار و زندگی هوارنشینان، دامداری و زندگی در ارتفاعات با خصوصیات ویژه فرهنگی خاص است که برای گردشگران و طبیعت‌دوستان بسیار جذابیت دارد. اصطلاح «هوار لُوان» به معنی کوچ کردن و رفتن به باغ است که امروزه بیشتر جنبه کوچ به باغات و اسکان در آنجا تا آغاز فصل سرما را دارد و جنبه دامداری آن چندان مرسوم نیست.

## گلین یکی از روستاهای ثبت شده در منظر جهانی هورامان/اورامانات

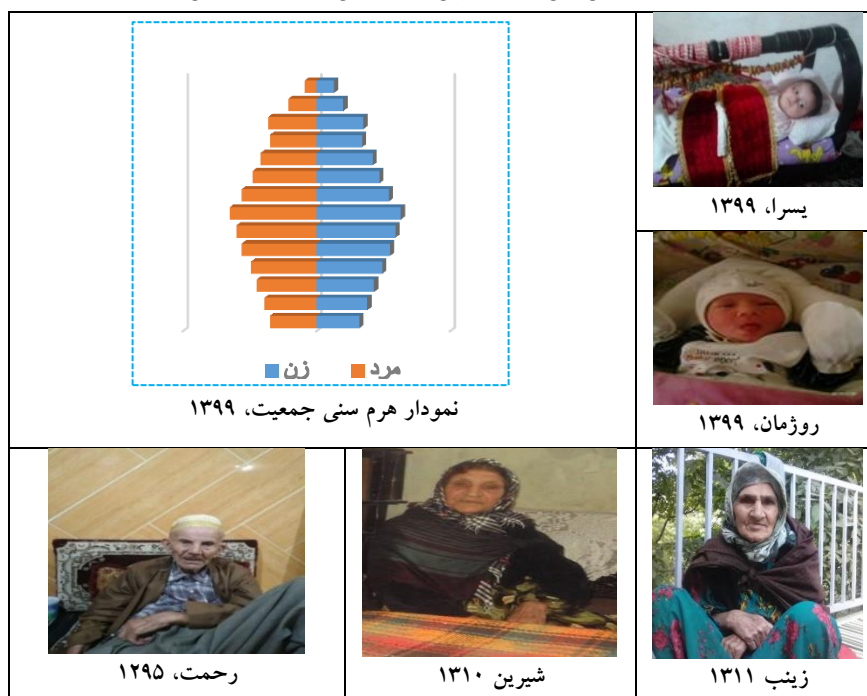
به گفته محسن علوی مدیر کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کردستان بعد از مطالعات انجام‌شده، به دلیل ویژگی‌های کالبدی و بافت منحصربه‌فرد روستاهای منطقه اورامان به عنوان منظر فرهنگی، ۱۰ روستای استان برای این اقدام انتخاب شدند. از مجموع این ۱۰ روستا، پنج روستا در منطقه ژاوه‌رود قرار دارد که گلین یکی از آنهاست. پنج روستای دیگر هم از توابع شهرستان‌های سروآباد و کامیاران هستند (خبرگزاری مهر<sup>۷۴</sup>، ۱۳۹۶).

## جمعیت

### تحولات جمعیتی

روستای گلین بر اساس سرشماری ۱۳۹۵، دارای ۳۴۴ خانوار و ۱۱۳۵ نفر ثابت است. اما در سرشماری سال ۱۳۹۹ که در مرکز بهداشت و درمان و دهیاری روستا انجام شد، جمعیت روستا ۱۱۸۰ نفر شامل ۵۹۶ نفر مرد و ۵۸۴ نفر زن است. ۲/۵ درصد از این جمعیت را افراد بالای ۶۰ سال تشکیل می‌دهند. در زمان کار کشاورزی، جمعیت فصلی آن به ۵۰۰ خانوار و حتی بیش از ۲۰۰۰ نفر هم می‌رسد. در جدول زیر مسن‌ترین و جوان‌ترین افراد ساکن در این روستا مشخص شده است.

جدول (۲): مسن‌ترین و جوان‌ترین افراد ساکن در روستای گلین، ۱۳۹۹



## آموزش و سواد

در روستای گلین فقط در میان پیرمردان و پیرزنان می‌توان افراد بی‌سواد را پیدا کرد. کسانی که دیگر خیلی سالخورده هستند و چندان احتیاجی به سواد ندارند. اما گاهی در میان زنان و مردان نه چندان سالخورده هم افرادی پیدا می‌شوند که بی‌سواد هستند. البته آنها هم کلاس نهضت رفته‌اند یا در قدیم قرآن ختم کرده یا گلستان و بوستان خوانده‌اند. اما چون استفاده نکرده‌اند، طی سال‌ها فراموش شده است. اما باز هم کم و بیش می‌توانند کلماتی بخوانند و بنویسند. این روستا پیش‌دبستانی و یک دبستان دارد که در دو نوبت دخترانه و پسرانه فعالیت می‌کند. یک مدرسه راهنمایی هم دارد که به علت کاهش دانش‌آموزان (در اثر افزایش سن ازدواج و کاهش تمایل به فرزندآوری و مهاجرت و گاه تمایل برخی برای تحصیل بچه‌های خود در مدارس دولتی شهر) اکنون فقط به صورت مختلط فعالیت دارد و دانش‌آموزان روستای هم‌جوار به این مدرسه می‌آیند تا جمعیت مدرسه به حد نصاب برسد.

## اقتصاد و معیشت

### کشاورزی

#### ۱. زراعت

زراعت بیشتر به صورت دیم است. در روستای گلین به دلیل شیب زیاد، زمین‌های زراعی بسیار کم هستند و به ۱۰۰ هکتار می‌رسد که در ۲ منطقه غالب، دشت «پارآوی»، «مه نگیله و رزژوره» و خرده‌مناطق دیگر وجود دارند. به طور کلی در ۵۵ هکتار از مجموع ۱۰۰ هکتار، گندم و جو کشت می‌شود. کشاورزان در گذشته پس از برداشت گندم، بخشی از گندم‌های مورد نیاز خود را در آسیای‌های آبی که در مجاورت چشمه «آساو، ذره پال‌هوان» و ... قرار داشت، به آرد تبدیل و آنها را درون ظرف بزرگی از جنس حلب و چوب به نام «کهنو» ذخیره می‌کردند. امروزه هیچ آسیای آبی فعالی در روستا وجود ندارد. برای تهیه نان، در گذشته هر خانواده به صورت انفرادی، نان می‌پخت، اما امروزه و پس از تأسیس یک نانوايي در گلین، در خانه‌ها خیلی کم نان پخت می‌شود. در ۴۵ هکتار باقیمانده نیز سبزی خوراکی، سیب زمینی، خیار، گوجه، آفتابگردان «روجیار پهرس» و ... کشت می‌شود.

## ۲- باغداری

مساحت باغات گلین، ۶۰۰ الی ۷۰۰ هکتار است و به بخش بالای ده و پایین ده تقسیم می‌شود. اسامی محلی مسیرهای مهم باغی در روستای گلین عبارت‌اند از هوار ساو، رزوره، سه‌دره، دوشوچی، میاکه‌لکان، قاله‌گا، سه‌رُوبازی، قوله، ذره‌و سوره‌تفه، ذره‌وزان، ته پوملگاگوزینه، جوگه‌تافی و غیره. درختانی که به ترتیب اهمیت از میوه آنها استفاده می‌شود، گردو، توت سفید، شاه‌توت، زردآلو، گیلاس، آلبالو، آلوچه، سیب، گلابی، به و انگور هستند. علاوه بر این کشت توت‌فرنگی هم در روستا رایج بوده است و یکی از منابع عمده درآمدی خانوارهای روستای گلین محسوب می‌شود. هر چند در چند سال اخیر خشکسالی و هزینه‌های بالا کشت، آن را از رونق انداخته است.

## آب کشاورزی، آشامیدنی و چشمه‌ها

عامل محدودکننده و تعیین‌کننده در گلین، آب است. میزان آب هر زمین مشخص است و نسق زراعی بر اساس آب است. هر زمین زراعی چه دشت و چه باغ بر اساس تعداد «آژین» (اصطلاح محلی سهم تقسیم آب کشاورزی ۴، ۸ و ۱۲ ساعته بر اساس عرف تقسیم آب در چشمه‌های مختلف) آب، ارزش پیدا می‌کند. جدول زیر مدار گردش آب جوی کووگوله را نشان می‌دهد.

جدول (۳): مدار گردش آب جوی کووگوله، تابستان ۱۳۹۹

تعداد آژین	۱	۲	۳
ساعت	۴	۸	۱۲
مدار گردش (جمع) / روز	۲۱	۱۴	۷
مدار گردش (تک نفره) / روز	۶۳	۳۱	۲۱

پس از اینکه آژین آب هر زمین مشخص شد، مدار گردش آب یا زمان دوره آبیاری هر باغدار از آب چشمه هم مشخص می‌شود. از این میزان، هر ۷، ۱۴ و ۲۱ روز یک بار، آب به مزارع و باغ‌های هر کشاورز اختصاص می‌یابد. اگر بهره‌برداری بخواهد به صورت تک‌نفره سهم آب خود از چشمه را مشخص کند، بر اساس تعداد آژین، مدار گردش آب متفاوتی خواهد داشت.

### بهره‌برداری از مرتع و سازوکارهای مرتبط با آن

در آمار سال ۱۳۹۳، در روستای گلین ۱۲۵۰ رأس گوسفند و بز (دام کوچک)، ۱۲ رأس گاو و گوساله، ۵۵ رأس اسب و الاغ ثبت شده که این آمار نسبت به گذشته بسیار کمتر شده است. چه در گذشته و چه در زمان حال، صاحبان گله‌های بزرگتر به صورت انفرادی و صاحبان گله‌های کوچک‌تر به صورت گروهی یا محله‌ای چوپان استخدام می‌کردند و قراردادهای آنها یک‌ساله بوده است. دستمزد هم در گذشته به صورت دام و فرآورده‌های دامی و امروزه به صورت وجه نقد است. در گلین، در کنار فرآورده‌های پروتئینی از فرآورده‌های لبنی (به ترتیب میزان تولید) می‌توان موارد زیر را نام برد: شیر، ماست، کره، پنیر، دوغ، کشک. این محصولات علاوه بر مصرف خانگی به بازار شهر سنندج هم فرستاده می‌شوند.

در چرخه بهره‌برداری از مرتع در بین اهالی گلین ۲ نوع بیلاق مرسوم است: نخست آنکه بیلاق از اول بهار تا اواخر اردیبهشت‌ماه است و نوع دیگر که طولانی‌تر است، از آغاز خردادماه تا اوایل مهرماه ادامه دارد. در طول زمستان و پاییز نیز از علوفه دستی استفاده می‌شود. در گلین برای نگهداری دام از ۳ نوع سازه استفاده می‌شود که عبارت‌اند از: ۱- آغل‌هایی که در طبقه همکف ساختمان‌ها احداث می‌شوند و برای زمستان و تابستان مورد استفاده قرار می‌گیرند و شامل کاهدان، طویله بره و بزغاله‌ها، طویله دام‌های پرواری و طویله دام‌های عادی است. ۲- «په‌چه» محوطه محصورشده با شاخه و برگ درختان و سنگ، اما سرباز برای نگهداری دام در تابستان است. ۳- دامداری هوار: آغل‌هایی که در فاصله دور از روستا در کوه برای گله ساخته می‌شوند. دام‌های روستا گوسفند، بز و گاو هستند و زنان خانه‌دار از شیر این حیوانات برای مصرف روزمره و گاهی هم فروش استفاده می‌کنند. خوشبختانه دامداران به لحاظ استفاده از مراتع و علوفه هیچ مشکلی ندارند و کاملاً راضی هستند. آنها مرغ، خروس، کبک، بوقلمون، و کبوتر (برای سرگرمی) هم پرورش می‌دهند.

### مشاغل

افراد سرپرست خانواده با وجود سختی فراوان، به کشاورزی و دامداری می‌پردازند. در این روستا تعدادی هم به شغل بنایی، کاشی‌کاری، لوله‌کشی، مکانیکی و تعمیرکاری و غیره مشغول هستند. از بناهای مشهور گذشته و حال می‌توان استاد حمه‌خان، حاجی جعفر، حاجی دیبه، علی، حاجی اسماعیل، حیدر، باقر، رحمت، خدارحم، باسام، یدالله، احمد و عبدالله را نام برد.

زنبورداری در کنار کشاورزی یکی از مشاغل پررونق روستا است. با ورود زنبورداری مدرن دیگر زنبورداری سنتی کلاً در روستا از بین رفت. بازدهی عسل افزایش یافت. عده‌ای همچون کاک محمد، صاحب، حاتم، صدیق، عبدالفتاح و ... در کنار شغل کشاورزی، زنبورداری هم انجام می‌دهند که این کار باعث گرده‌افشانی زیاد و چند برابر شدن محصولات شده است. این روستا در حال حاضر بعضی از صنایع دستی را برای عرضه دارد، از جمله گیوه یا همان «کِلاش»، انواع بافتنی زنانه و غیره. بر اساس گفته‌ها در گذشته بافت قالیچه، گلیم، جاجیم، نمد، جانماز، جوراب و ساق پیچ (گروا بَنینه و پُوژوانه)، خورجین، کیف با دستان میرزا جولا و ساخت انواع وسایل چوبی آشپزخانه به نام‌های طَواق، وینه، ویچنه، نانه‌شان، پنه، گه‌نو، چمچه و غیره با دستان همه داع با انجام می‌شد. در حال حاضر هم وسایل دیگری از قبیل کُرسی، تخته شطرنج، در و پنجره (به‌ره، ده لاقه) و وسایل مورد نیاز کشاورزان با دستان پرتلاش استاد نصرالله ساخته می‌شود.



عکس (۵): ساخت درب چوبی، ۱۳۹۹



عکس (۶): ساخت گیوه «کِلاش»، ۱۳۹۹

در روستای گلین تعداد زیادی از جوانان به دلیل محدود بودن میزان زمین و آب، ناچار به کارگری در شهرهای بزرگ و بندری یا گاه در اقلیم کردستان عراق شده‌اند و در شکل کوچکتر در مرکز استان یا خود روستا، در شغل‌های کاذب و کارگری به فعالیت مشغول هستند.

### یاریگری‌ها

یاریگری در بین مردم روستای گلین در جنبه‌های مختلف از کمک به هم‌نوع گرفته تا انجام کارهای عمومی روستا همیشه وجود داشته است. در «گهل» کردن که همان یاریگری است، انتظار کمک متقابل در ازای وجه وجود ندارد. اگر برای یکی از اهالی روستا مشکلی پیش بیاید، عده‌ای از مردم روستا داوطلبانه جمع می‌شوند و تمام کارهای آن فرد اعم از شخم، آبیاری، میوه‌چینی، جمع‌آوری علف، خانه‌سازی و غیره را انجام می‌دهند. در این نوع یاریگری انتظار کمک متقابل وجود ندارد و در واقع نوعی همیاری و بخشش است و انگیزه یاری‌دهنده، کسب منزلت اجتماعی و اجر اخروی است.



عکس (۷): مشارکت در ساخت جاده دسترسی، ۱۳۹۹



عکس (۸): مشارکت در شخم زدن زمین، ۱۳۹۹

## فرهنگ و فولکلور

### زبان و مذهب

زبان مردم گلین، کردی گورانی با لهجه خاص اورامی است که با لهجه‌های متداول در مناطق دیگر کردستان متفاوت است. تقریباً همه منابع معتبر، زبان‌شناسی اورامی را گویشی از زبان گورانی دانسته‌اند. زبان گورانی متعلق به شاخه زازا-گورانی از شاخه زبان‌های ایرانی شمال غربی است و با زازایی هم‌خانواده است. به نقل از خالدی و نقش‌بندی (۱۳۹۰) از دیدگاه مکنزی (۱۹۶۶) گویش اورامانی مانند دیگر گویش‌های گورانی، دارای برخی مشخصات آوایی است و از آن نظر، به گویش‌های مرکز ایران نزدیک‌تر است. اما با این حال از دیدگاه دانشنامه بریتانیکا اورامانی به عنوان یکی از گویش‌های زبان گورانی است.<sup>۱</sup> در طول زمان، به خاطر همسایگی با گویش‌هایی مانند سورانی، دادوستد واژگان میان اورامانی و این گویش‌ها بسیار بوده است. پیش از ظهور اسلام مردم زرتشتی بوده‌اند که وجود آتشکده‌ها دلیلی بر این مدعا است. اما در حال حاضر همه به دین مبین اسلام گرویده‌اند و پیرو مذهب شافعی هستند.

در روستای گلین شیوخ جایگاهی ویژه‌ای دارند، به طوری که هر ساله در زمستان مراسم ذکر و سماع دراویش و دف‌نوازی حالت عرفانی خاصی را به روستا می‌دهد. در روستای گلین دو فرقه «سهر سور» یا دستمال قرمز و «سهر بو» یا دستمال سیاه وجود دارند که نماد آن‌ها محسوب می‌شود. فرقه اولی با شیوخ روستای دولاب به نام شیخ هادی و شیخ محمد که از طریقت قادریه هستند و فرقه دوم با شیوخ روستای طاء به نام شیخ محمد، شیخ حیب‌الله و شیخ حبیب‌الله را در روستا عرفانی می‌کنند. البته در روستای گلین فرقه‌های دیگری همچون کاک احمد منسوب به احمد مفتی‌زاده نیز وجود دارند که ویژگی مشترک همه آنها، برابری و اتحاد در اسلام ناب محمدی است.

1 [www.britannica.com/topic/Iranian-languages](http://www.britannica.com/topic/Iranian-languages)





عکس (۹): ذکر و سماع دراویش، ۱۳۹۸



عکس (۱۰): شیوخ روستا، ۱۳۹۸

### معماری و بافت روستای گلین

در روستای گلین که در دل کوهستان قرار گرفته، خانه‌ها پلکانی ساخته شده و بر دامان کوه، هماهنگ با هارمونی طبیعت تراشیده شده‌اند. کمتر مکانی چنین توازنی در طبیعت را به خود دیده است. سنگ‌ها روی هم قرار گرفته و با ملات گل و چوب ساخته شده‌اند. سقف خانه‌ها،

حیات‌خانه‌ای دیگر است که دو کارکرد مختلف دارد و در زبان محلی به آن «بان وُسان و وِرْجُوون» گفته می‌شود. البته «بانجیلِه» هم وجود دارد که به عنوان یک تراس کاملاً شخصی بیشتر بر روی راه‌های عبور و مرور ساخته می‌شود.

گلین از نظر کاربری اراضی به سه بخش تفکیک می‌شود:

۱. مسکن روستایی ۲. مراتع و زمین‌های بایر و سنگلاخی ۳. باغ‌ها و مزارع. گلین نمونه بارزی از تلفیق معماری با طبیعت است. تطابق معماری روستا با شرایط خاص آب‌وهوایی و محیطی و استفاده از مصالح بوم‌آورد (آن دسته از مصالح ساختمانی که از محیط اطراف به دست آمده است و در دسترس روستاییان قرار دارد) سبب شده است که معماری منحصر به فردی داشته باشد.



عکس (۱۱): بافت پلکانی روستا، ۱۳۹۹



عکس (۱۲): بافت پلکانی، زمستان ۱۳۹۸

سقف خانه‌های گلین مسطح است. مصالح مورد استفاده در این روستا سنگ، چوب و گِل است که همگی از طبیعت اطراف جمع می‌شود. پی خانه‌ها بر روی بستر طبیعی سنگی قرار گرفته است که در زبان محلی به آن «بَنه رتّه» می‌گویند. در قسمت‌هایی از بنا که در شیب قرار گرفته است، با سنگ حدود یک یا دو متر سنگ‌چینی می‌کنند. سپس دیوار آن با سنگ بالا می‌رود. دیوار بالای سنگ‌چینی، غالباً از جنس سنگ تراش‌خورده و ملات گِل است. پس از رساندن دیوارهای باربر تا زیر سقف بر روی آنها یک تیر چوبی بزرگ و مقاوم برای کنترل بار و مقاومت سقف قرار می‌دهند که «حَه‌مال» خوانده می‌شود. در مواقعی که تیر چوبی ضعیف باشد، از وسط حَه‌مال یک تیرک چوبی قوی از درخت گردو به نام «کوَلَه‌ک» برای مقاوت و کنترل بار اضافی سقف استفاده می‌شود.

پس از آن بر روی دیوارهای باربر تیرهای چوبی قرار می‌دهند. این تیرها عمل پخش نیروها و بارهای گسترده سقف به دیوارها را انجام می‌دهند. در نهایت ۳۰ تا ۴۰ سانتی‌متر «کَه‌ل‌ک» پاسار» سقف را از طرفین به بیرون می‌کشند تا دیوار از باران و برف در امان باشد. البته در حال حاضر مردم روستا بیشتر خانه‌های خود را با مصالح بادوام سیمان و آهن بنا می‌کنند و روی آن کاهگلی طبیعی به نام «سوَوَاق» می‌کشند که خودشان درست می‌کنند و بدین ترتیب نمای زیبای روستا حفظ می‌شود.

### خوراک و غذاهای محلی

گندم، لوبیا، نخود، عدس، قارچ، کنگر، ریواس، خوَرَه، پنیر، شیر، عسل، گردو، توت، انگور و ... مواد غذایی محلی این منطقه را تشکیل می‌دهند. آش دوغ (دوغه‌وا)، تَرخینه، آش گزنه، سوَرینِه، هَمه‌گیا، هَتیمچِه با گوشت گوسفند، شوَرِوا، رشته رن یک آبه، کَلانه، آبگوشت و انواع کباب‌های محلی با نان محلی و غیره از غذاهای سنتی و قدیمی روستای گلین هستند. در جدول زیر اسامی برخی از غذاهای محلی روستای گلین بیان شده است.

جدول (۴): اسامی برخی از غذاهای محلی روستای گلین

نام محلی	فوتنیک	مواد اصلی لازم برای تهیه غذا
دوینه	Dovineh	گندم، کشک، نخود، لوبیا، پیاز
شلمین	Shalamin	گندم، آب غوره، کشمش، لوبیا
پرپولین	Perpolin	خمیر آرد، عدس، پیاز، لپه

نام محلی	فونتیک	مواد اصلی لازم برای تهیه غذا
سه یله	Saileh	آرد گندم، روغن حیوانی
یک آبه	Yek Abeh	گندم، لوبیا، پیاز، عدس
هتیمچه	Hatimcheh	گوشت، لوبیا، سبزی تازه
شوروا	Shorva	لپه، برنج، رب گوجه، پیاز
گوشتین	Goshtin	نخود، گوشت تازه، رب گوجه، لوبیا، پیاز
فروج آو	Feroj Av	گوشت مرغ محلی، رب گوجه، پیاز، زردچوبه، لپه
کلانه	Kalaneh	خمیر نان، پیازچه، دوغ، کره
بودریه	Bodryeh	گندم بوداده، کینجد بوداده، روغن حیوانی
ولوشین	Veloshin	گندم پخته، رب گوجه، پیاز
کاله کووین	Kaleh kovin	گندم، لوبیا، نخود، مغز گردو
سورَبینه	Sorabeneh	گیاه کوهی سوربینه، لوبیا، عدس، مغز گردو، آلوچه، زردآلو

### وسایل گرمایشی و پخت‌وپز

این روستا مانند همه روستاهای منطقه زاوه‌رود، که از نعمت گاز بهره‌مند نیستند، تمام فصول سال از بخاری‌های هیزیمی استفاده می‌کنند که در اصطلاح «سیم پا» گفته می‌شود. در زمستان هم از «گُرسی» استفاده می‌کنند که زیر آن ذغال هیزم به نام «مه‌ن‌آل» قرار دارد و حاصل دست‌های استاد عبدالحسن و پسرش کاک خلیل است. آنها برای پختن غذا و تهیه نان از «آرگا» یعنی نوعی تنور محلی استفاده می‌کنند. البته آرگا از لحاظ ظاهری با تنور اصلی فرق می‌کند و سنگ‌های مسطح کنار هم را در سه طرف می‌گذارند و زیر آن هیزم قرار می‌دهند و آتش روشن می‌کنند.

یکی دیگر از ویژگی‌های منحصر به فرد روستای گلین که در هیچ جای دیگر یافت نمی‌شود، لوله‌کشی نفت است که در این روستا وجود دارد. از آنجایی که روستای گلین در شیب تند قرار دارد و به خاطر بارش برف زیاد، حمل و نقل نفت از مخزن روستا با چهارپایان به سختی در فصل زمستان ممکن است، اهالی روستا از چندین سال پیش به لوله‌کشی نفت از مخزن تا درب منازل اقدام کرده‌اند. به طوری که سهمیه هر خانوار توسط مسئول مربوطه رهاسازی شده و خانوار گیرنده با شیرهای تعبیه‌شده، نفت را در مخزن خانه خود برای مصرف ذخیره می‌کند.

## لباس سنتی

لباس سنتی هنوز هم در میان مردم گلین رواج دارد و گلین‌ها بر حفظ آن تأکید دارند و تعصب از خود نشان می‌دهند. لباس مردانه کردی در منطقه اورامان شامل قسمت‌هایی از جمله چُوخه و رانک، شال، سُورانی، دستار، فَرَنجی و کلاه است که بیشتر در عروسی‌ها پوشیده می‌شود. چُوخه و رانک، نیم‌تنه‌ای از جنس پشم یا کتان و شلواری گشاد به نام رانک که مچ پای آن تنگ است، لباس اصلی مردان کُرد را تشکیل می‌دهد. سُورانی، نوعی آستین شُل و دراز است که شکل مثلثی دارد و بر روی مچ و دست بسته می‌شود. شال که به آن «پُشت وین» و «پُشت ینه» نیز گفته می‌شود، ۳ تا ۱۰ متر طول دارد که در ناحیه کمر بر روی لباس‌ها بسته می‌شود. دستار و کلاه نیز برای سر مردان کاربرد دارد. لباس زنانه نیز چندین قسمت دارد که اجزای آن، پیراهن بلند (گِه‌جی)، گُوا، سُوخمه، کوله‌بال، سه‌لطفه و شال است.



عکس (۱۳): لباس محلی، ۱۳۹۸



عکس (۱۴): لباس محلی، ۱۳۹۹

«گِه‌جی» یا پیراهن بلند، اصلی‌ترین قسمت لباس زنانه را تشکیل می‌دهد که انواع باپولک و بی‌پولک را دارد. «گُوا» لباس بلندی است که روی پیراهن بلند پوشیده می‌شود و قسمت پشت لباس کُردی را می‌پوشاند. «سُوخِمِه» نیم‌تنه‌ای بدون آستین است که روی پیراهن بلند پوشیده می‌شود. «گُوَلَه بال» نیم‌تنه‌ای دارای آستین تا آرنج دست است. «سَه‌لَطَه» نیز نیم‌تنه‌ای دارای آستین است که آستین‌هایش تا میچ دست کشیده می‌شود. «شال» در ناحیه کمر بر روی لباس کُردی یا لباس سقزی بسته می‌شود و برای محافظت در برابر سرما یا جمع و جور کردن لباس استفاده می‌گردد.

### مراسم سوگواری

زمانی که فردی از اهالی گلین فوت می‌کند، بعد از غسل دادن و تشییع آن تا قبرستان، آن را با احترام و شکوه دفن می‌کنند. میت را بسته به اینکه ساکن کدام محله باشد، در یکی از سه غسلخانه جنب مساجد می‌شویند و برای خاکسپاری وی را به گورستان‌های «وَران وِر، پَه شتویانان یا سَه‌رَبَلغ (جدید)، لُو طه‌یی‌له، طی‌لَه بَران، خَرمانو شَلَه (قدیمی)» در ۱۰۰ متری روستا منتقل می‌کنند.

### ماه مبارک رمضان

در ماه رمضان نیز اهالی روستای گلین در مساجد به عبادت می‌پردازند و ختم قرآن و خواندن نماز مستحبی جزء کارهای روزانه می‌شود. در شب‌ها در مسجد نماز تراویح می‌خوانند و به سخنان عالمان گوش می‌دهند. تراویح به نمازهایی اطلاق می‌شود که مسلمانان سنی‌مذهب در شب‌های ماه رمضان به جماعت می‌خوانند. این نماز پس از نماز عشاء خوانده می‌شود. در شب‌های قدر کسانی که توانایی دارند تا صبح قرآن می‌خوانند و برای بخشش گناهان دعا می‌کنند. از ماموستایان شاخص روستای گلین که همواره چراغ دین را روشن نگه داشته‌اند، می‌توان ملا علی، ملا زاهد، ملا امین، و در حال حاضر ملا وفا گلینی و ملا عثمان زرین را نام برد.

### شب یلدا

شب یلدا را در گلین «شَه‌وَوُ چَلَه» شب چله یا «شَه‌وَوُ زَمسانی» اولین شب زمستان می‌نامند. شبی که پیش از فرا رسیدن آن، هیجان و شور خاصی در میان مردم به وجود می‌آید.

اصلی‌ترین ویژگی شب چله، گرد هم آمدن خانواده‌ها با هماهنگی قبلی است، به طوری که معمولاً یک هفته قبل آن مشخص می‌شود که شب چله این سال در خانه چه کسی جمع شوند. در خانواده‌هایی که پدر، در قید حیات باشد، معمولاً فرزندان با عروس‌ها و دامادها شب چله را در آنجا می‌گذرانند. اما چون خانواده پدرخانم و پدرشوهر مطرح است، معمولاً نوبت را رعایت می‌کنند. اما به هر صورت که باشد، اصل بر جمع شدن چند خانواده در کنار هم است. برگزاری مراسم یلدا، آیینی خانوادگی است و گردهمایی‌ها به خویشاوندان و دوستان نزدیک محدود می‌شود. در زمستان‌ها، از کرسی برای گرم کردن خانه استفاده می‌شد. دور کرسی نشستن معمولاً از شب یلدا، نخستین شب زمستان، شروع می‌شد و تا پایان چله بزرگ و در برخی خانواده‌ها تا پایان چله کوچک ادامه داشت. اعضای خانواده از کوچک و بزرگ، دور کرسی می‌نشستند و روی آن میوه و آجیل قرار داشت. همچنین چند ماه قبل از زمستان، خوشه‌های انگور را که در سایه، نخ کرده و از سقف آویزان کرده‌اند و به آن «آوونی» می‌گویند، برای خوردن آماده می‌کنند.

امروزه در روستا، حکایت‌گویی همچنان پابرجا مانده و پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها داستان‌هایی مانند «وه‌کنه» را برای نوه‌هایشان در این شب طولانی و تاریک و سرد زمستانی تعریف می‌کنند. از دیگر تمهیدات برای گذران این شب، انجام برخی بازی‌های محلی است. مشهورترین این بازی‌ها «گوروابازی» یا جوراب‌بازی است. بازی دسته‌جمعی که شرکت‌کنندگان به دو گروه تقسیم می‌شوند و هیجان بسیار زیادی دارد. همه مهمان‌ها می‌توانند در این بازی شرکت کنند و معمولاً انجام آن با ابراز هیجان‌ات افراد همراه است و چند ساعتی از شب را به خود اختصاص می‌دهد. در شب چله، مراسم شال انداختن نیز اجرا می‌شود. در این رسم جوانان روستا از روزنه‌های بالای بام‌ها «روچه‌ن» که نقش هواکش و نورگیر را دارند، شال‌های لباس‌شان را پایین می‌فرستند تا صاحب‌خانه هدیه‌ای به مناسبت شب چله در آن بگذارد که معمولاً آجیل، میوه، تخم مرغ، پول و غیره است.



عکس (۱۵): بازی جوراب بازی، ۱۳۹۹



عکس (۱۶): مراسم شال انداختن، ۱۳۹۹

## عید نوروز

از جمله تدارکات نوروز، تهیه سمنو بود. خانم‌های خانه گندم، عدس و کنجد را در پارچه‌ای می‌ریختند و در ظرفی مسی قرار می‌دادند. بعد از ریختن آب بر روی آن در مقابل نور ملایم خورشید می‌گذاشتند تا دانه‌ها جوانه بزنند. پدر خانواده در این فرصت اندک قبل از عید به بازار می‌رفت تا برای اهالی خانه لباس و کفش تهیه کند. از دیگر چیزهایی که قبل از عید آماده می‌شد، آجیل محلی، شیرینی، میوه، برنج، روغن و گوشت بوده است.

در گذشته چند روز قبل از عید، جوانان روستا، به تهیه هیزم می‌پرداختند و آنها را بر پشت‌بام خانه برای روشن کردن آتش جمع می‌کردند و در کنار آن به رقص و شادمانی می‌پرداختند. از



دیگر کارها این بود که تکه پارچه‌ای را به سر یک چوب گوله می‌بستند تا در روز نوروز آتش روشن کنند که در اصطلاح محلی به آن «قَه‌رَف تیلَه» می‌گویند. از دیگر موارد جدید در حال حاضر که خیلی به ذائقه جوانان خوش می‌آید، آتش‌بازی با فیشک (فشفشه)، ماتاو، تقه، کوزی و تیزان است. وقتی مراسم تمام می‌شود، همه به خانه می‌روند و برای شام حاضر می‌شوند و سر سفره برای سال پیش‌رو آرزوی سالی خوش و خرم و پربخت را از درگاه خداوند متعال خواستارند و برای اموات خود فاتحه می‌خوانند و بعد شروع به خوردن غذای محلی می‌کنند.



عکس (۱۷): مراسم نوروز، ۱۳۹۹



عکس (۱۸): مراسم نوروز، ۱۳۹۹

## ازدواج

در گذشته بزرگان فامیل یعنی عمو، دایی، پدر یا برادر بزرگتر به خواستگاری می‌رفتند. در این مراسم که به آن دست‌بوسی «دَه‌س ماچ‌که‌رده» می‌گویند، در وهله اول درباره تعیین مهریه،

خرید جهاز، و مقدار طلا با هم گفتگو می‌کردند و وقتی به نتیجه می‌رسیدند، پدر داماد و خود داماد «زما» به نوبت دست «هه‌سوره» پدر عروس را می‌بوسیدند و به هم تبریک می‌گفتند و آنها رسماً نامزد هم یا «دزگیران یا دستگیران» هم می‌شدند. اکنون نیز همین روال در منطقه در جریان است. بعد از مراسم دست‌بوسی و تعیین شرایط، خلعتی «خه‌لاتی» که معمولاً شامل یک انگشتری طلا، لباس و ... است، به عروس می‌دهند که به این کار نشان کردن «دیاری کرده» می‌گویند. بسته به نوع توافق طرفین در بعضی از خانواده‌ها، همان شب دیاری عاقد همراه می‌برند و عروس را عقد «ماره بریه» می‌کنند. در غیر این صورت به شبی یا وقتی دیگر موکول می‌کنند که به آن عقدکنان یا «ماره بران» می‌گویند. طرفین در مراحل اولیه درباره موعده عروسی توافق می‌کنند. البته مطابق با شرایط هر دو خانواده بعضی مواقع عروسی زودتر برگزار می‌شود و در بعضی مواقع هم شاید یک سال تا زمان برگزاری مراسم عروسی طول بکشد.



عکس (۱۹): رقص محلی، ۱۳۹۹



عکس (۲۰): مراسم عروسی، ۱۳۹۹

مراسم عروسی هم مؤلفه‌هایی مخصوص به خود دارد. به طوری که برای عروس خانم دوباره لباس‌های نو در نظر گرفته می‌شود. همچنین برای داماد هم از طرف خانواده «ووی» عروس، لباس «کواپاوزه یا کواپانتول» تهیه می‌شود. این رویکرد در گذشته صورت دیگری داشت. به طوری که از طرف خانواده عروس، خرید لباس برای داماد انجام نمی‌شد و جهاز هم تهیه نمی‌شد و مبلغی را با عنوان شیربها یا مال برای تهیه اقلامی مانند جهیزیه یا عروسی «بارۀ تی وانه» می‌گرفتند. در دوران نامزدی، داماد «زما» باید مانند عضو خانواده برای خانه عروس کار می‌کرد، از جمله آوردن هیزم از جنگل که به آن هیمه‌بار، گله‌دار و گله هیزم می‌گفتند. همچنین رفتن برف‌های بام در زمستان، چیدن علف و آوردن و انبار کردن آن و... که در اصطلاح «رَه سیه» می‌گویند. اما اکنون این رسم‌ها دیگر قدیمی شده است و در حال حاضر خانواده داماد، جهاز تهیه می‌کنند. در بعضی مواقع جهاز مشترک تهیه می‌شود. برای برگزاری عروسی، خانواده داماد اجازه می‌گیرند و بنا به آمادگی خانواده عروس و توافق بر سر روز و ماه، عروسی برگزار می‌شود. روز عروسی باید موعده مقرر باشد مانند شب جمعه. در گذشته جهاز تهیه‌شده دو روز قبل از عروسی، از طرف خانواده داماد، به سبک خاصی در مجمعه یا با قاطر به خانه عروس ارسال می‌شد. ولی اکنون تا قبل از روز عروسی تهیه می‌شود. در گذشته مراسم خاصی برای حمام و آرایشگاه رفتن عروس و داماد وجود داشت که دیگر این مراسم منسوخ شده است و همه امکانات در خانه مهیا است.

در روستای گلین، شبی که روز بعدش عروس را به خانه داماد «زما» می‌برند، مراسمی با عنوان «شَه‌وگَر» برگزار می‌شود. عروس به آرایشگاه برده می‌شود و لباس می‌پوشد. در گذشته سبک و طرز لباس‌ها سنتی و متفاوت بود. از «کلاوزر» برای پوشش سر و از سایر پوشش سنتی استفاده می‌شد. اما حالا به تبعیت از موج فرهنگ مهاجم شهری، بیشتر از بهار و لباس‌های فاخر عروس استفاده می‌شود. در همین شب میهمان‌هایی از طرف هر دو خانواده بعد از شام به صرف شیرینی و چای دعوت می‌شوند. در این شب مراسم حنابندان «خَه‌نَه‌بَه‌ندان» هم برگزار می‌شود. این مراسم از طرف خانواده عروس برگزار می‌شود و با آوردن شمع و حنا و میوه و شیرینی از میهمانان پذیرایی می‌شود و به رقص و پایکوبی «هَه‌ل پَرکی» یا «هُورپرای» می‌پردازند. در روز بعد، عروس را می‌آریند و داماد هم به آرایشگاه برده می‌شود و لباس‌های مخصوص عروسی را در آن روز می‌پوشند. عروسی ممکن است بر اساس توافق طرفین ۱ تا ۲ روز یا یک نصف شب

به طول بیانجامد. بدین ترتیب عروس توسط «برازما» و «پاووی» و خود داماد همراه با جمعی از زنان و مردان و بچه‌های دوطرف راهی خانه بخت می‌شود.

### موسیقی سیاچمانه

«سیاچمانه» از کهن‌ترین موسیقی ایران، نوایی است که صرفاً حنجره در آن نقش دارد. جایی که ساز و آواز باید با هم به صدا درآیند. نوایی مختص مناطق کوهستانی با فراز و نشیب‌های بسیار است. این نوا زائیده شرایط جغرافیایی طبیعی و فرهنگی منطقه اورامان و روستای گلین است. گویا سیاچمانه رهروی است که راه پرفراز کوه را در برگرفته و آهسته آهسته سینه کوه را می‌پیماید تا به قله برسد. از نوع ادای کلمات بدون استفاده از هر سازی پیداست که این نوا جزء اولین نواهای بشری است. با اندکی تأمل در نوع ادای «سیاچمانه» پیداست که این نوا آهنگ سرودهای آئینی در کوهستان‌های اورامان است. جایی که انسان خاکی می‌خواست با خدای خود به راز و نیاز بنشیند و به درگاه او ناله کند. نظرهای متفاوتی در مورد معنی لغوی سیاچمانه وجود دارد. عده‌ای معتقد به تغییر یافتن این واژه از واژه «سیاه‌جامگان» هستند (روشنی‌مقدم، ۲۰۱۹). گویا آوازی بوده است که سیاه‌جامگان (موبدان زرتشتی) هنگامی که به راز و نیاز پرداخته و گاتاهای اوستا را خوانده‌اند، به این شکل ادا شده است. عده‌ای دیگر معتقدند که سیاچمانه آوازی در وصف دلبران (سیاه‌چشمان) است و عده‌ای نیز می‌گویند هنگامی که موبدان زرتشتی می‌خواستند با خدای خود به راز و نیاز بپردازند و سرودهای مقدس را بخوانند خود را آراسته و چشمان خویش را با وسایل آرایشی زمان خود می‌آراستند.

### سوغات

مهم‌ترین سوغات‌هایی که در روستای گلین به گردشگران عرضه می‌شود، انواع خشکبار محلی شامل گردو، توت خشک، برگ زردآلو و آلوچه، عسل طبیعی، کشک و دوغ محلی، کره و روغن محلی، انواع رب و شیر و غیره است.



عکس (۲۱): انواع صنایع دستی، ۱۳۹۹



عکس (۲۲): سوغات روستا، ۱۳۹۹

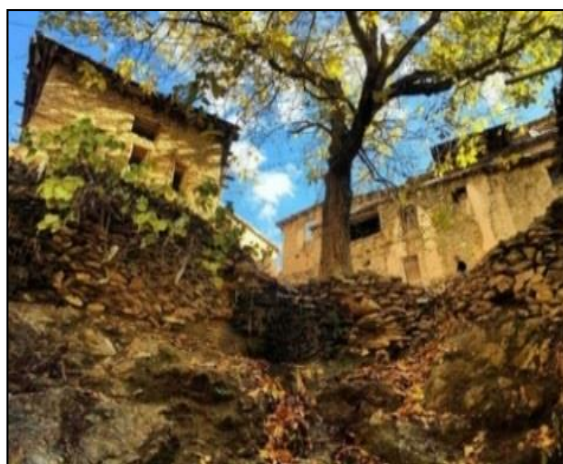
### قدیمی‌ترین بنا و آثار تاریخی

تخمین قدمت هر روستا کار چندان ساده‌ای نیست، اما طبق گفته‌های اهالی قدمت این روستا به بیش از ۱۵۰۰ سال می‌رسد. گلین در گذشته منطقه‌ای ییلاقی بوده است که در گذشته قبایل کوچنده گله‌های خود را به این منطقه آورده‌اند. این فرضیه به دلیل وجود شواهد و مدارکی از قبیل گورستان‌های پراکنده، پیدا شدن اشیاء قدیمی و سفالینه در کنار چشمه‌ها مؤید این نکته بوده است که نیاکان ما در گلین کوچنده بوده‌اند. از قدیمی‌ترین اثر به‌جامانده و موجود در روستا بنای حمام عمومی است که قدمتش به بیش از ۲۰۰ سال می‌رسد. به گفته بعضی از بزرگان روستا، آثار باستانی و قیمتی و حتی گنجینه در این روستا کشف شده که همه آنها به

دلیل ناآگاهی روستاییان به سرقت رفته است. یکی دیگر از قدیمی‌ترین بناهای قدیمی که بافت بارزشی دارد، ساختمان مسجد جامع پیرمحمد و حمام ساخته‌شده در آن است که قدمت آن به بیش از ۵۰۰ سال برمی‌گردد. آب مصرفی آن از چشمه بیلو در ۲۵۰ متری تأمین می‌شود. این مسجد در دوره‌های گذشته، بارها بازسازی و مرمت شده است.



عکس (۲۳): مسجد جامع پیر محمد، ۱۳۹۹



عکس (۲۴): حمام تاریخی، ۱۳۹۹

### کلید چوبی با قدمتی ۲۰۰ ساله

دایه «سلطنت» پیرزن ۸۷ ساله این روستا می‌گوید کلیدی چوبی با قدمت ۲۰۰ سال دارد که با آن در خانه‌اش را قفل می‌کند. در این مورد نکته مهم، هوش و ذکاوت افراد در ساخت ابزار و همزیستی اهالی روستا با طبیعت است.



عکس (۲۵): کلید چوبی دایه سلطنت، ۱۳۹۹



عکس (۲۶): وسایل چوبی قدیمی، ۱۳۹۹

## طایفه‌ها

طایفه‌های بزرگ روستای گلین بیشتر با نام فامیل یا «خِیل» شناسایی می‌شوند، از قبیل گفتاری، بابایی، گلی، قاسمی، نامداری، ویسی، رحمانی، فتحی، سجادی، عظیمیان، محمدیان، امینی، ملکی، کریمیان، الوندی، غلامی، طالبی، مطلبی، ناظمی، رحیمیان، باباخانی، ابراهیمی، شیری، جهانی، مرادی، گلینی، کریمی، عزیزی و غیره.

## جمع‌بندی

همان‌طور که ملاحظه شد، تکنگاری از مهمترین شیوه‌های تحقیق در بررسی پدیده‌های اجتماعی است و از مهمترین مزیت‌هایش ارائه تحلیل تام از هر پدیده است. در چنین تحقیقی، هر عمل، رفتار یا گفتار فرد، هر کارکرد مطلوب یا نامطلوب پدیده‌ای که موضوع مطالعه قرار گرفته است، در مجموعه گسترده‌ای از داده‌ها تفسیر و تبیین می‌شود.

گلین بیش از ۱۱۰۰ نفر جمعیت دارد. جمعیتی که روزگاری نه چندان دور بیش از این بود. در گویش محلی «گهل» گل به معنای همکاری و با هم بودن است و به مرور زمان به خاطر یکجانشینی طوایف کوچنده و داشتن روحیه همکاری و اتحاد با یکدیگر به گلین تغییر یافته است. تاریخ نوشته و اثری که قدمت زمانی گلین را دقیقاً معلوم کند، در دست نیست. ولی قدمت ۱۵۰۰ ساله را برای آن تخمین می‌زنند. از مهمترین دلایل شکل‌گیری روستا در این منطقه را می‌توان وجود اقلیم مناسب و مراتع سرسبز، آب فراوان و وجود کوه‌های پربرف و ... دانست. وجود آب، هوا و خاک مناسب موجب شده است که گونه‌های مختلف گیاهی و جانوری به وجود آید. متوسط بارندگی سالانه ۵۵۰ میلیمتر و متوسط دما و رطوبت سالیانه به ترتیب ۱۰ و ۶۵٪ است. مردم این روستا همگی مسلمان و شافعی‌مذهب هستند و به زبان کردی گورانی لهجه اورامی تکلم می‌کنند. بیشتر ساکنان به حرفه کشاورزی و تعدادی نیز به پرورش دام سبک مشغول هستند. شمار اندکی هم در کنار زراعت، پرورش زنبور عسل و غیره انجام می‌دهند.



## سپاسگزاری

با تشکر از اهالی خونگرم و مهمان‌نواز روستای گلین، دهیاری، کارکنان مرکز بهداشت و درمان و مدیران کانال‌های تلگرام و اینستاگرام مربوط به روستا که ما را در انجام این پژوهش یاری کردند.

## منابع

- ازکیا. مصطفی، دربان استانه. علیرضا (۱۳۸۲). روش‌های کاربردی تحقیق. تهران: کیهان.
- ایمانی. محمدتقی (۱۳۸۱). تحقیق قوم‌نگاری در رویکردهای کمی و کیفی تحقیق. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز. ۴۵ (۱۸۴ و ۱۸۳). ۳۷-۶۲.
- خالدی. یادگار، نقش‌بندی. زانیار (۱۳۹۰). ساخت‌های فعلی استمراری - تأکیدی در گویش هورامی. پژوهش‌های زبانی. ۲ (۱). ۱۸-۱.
- رضوانی. محمدرضا، محمدی. سمیه، پیری. صدیقه (۱۳۹۲). ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها با استفاده از مدل چارچوب عمومی ارزیابی (CAF) (مطالعه موردی: شهرستان دهلران). پژوهش‌های جغرافیای انسانی. ۸۳. ۱۹۹.
- رنجبر. محمود، ستوده. هدایت‌الله (۱۳۸۰). مردم‌شناسی با تکیه بر فرهنگ مردم ایران. تهران: دانش‌آفرین.
- روشنی‌مقدم. هژیر (۲۰۱۹). سیاه‌چمانه کهن‌ترین موسیقی ایران. قابل دسترس در [www.merdok.ir](http://www.merdok.ir)
- سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان کردستان (۱۳۹۹). معاونت آمار و اطلاعات. شرف‌کنندی. عبدالرحمن (۱۳۶۹). فرهنگ لغت هه‌نبانه بوریته هه‌زار. تهران: سروش.
- صفی‌نژاد. جواد (۱۳۴۵). مونوگرافی ده طالب‌آباد. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- عبادی. هادی، مصطفایی. عزیز، خالدی. پوریا (۱۴۰۰). درآمدی بر معماری بومی هورامان. کرمانشاه: رازی.
- فاضلی. نعمت‌الله (۱۳۸۶). مدرنیته و مسکن (رویکردی مردم‌نگارانه به مفهوم خانه، سبک زندگی روستایی و تحولات امروزی آن. تحقیقات فرهنگی. ۱ (۱). ۲۵-۶۳.
- قرائی مقدم. امان‌الله (۱۳۸۲). انسان‌شناسی فرهنگی. تهران: ایجد.
- Troman. G., Jeffrey. B., Walford. G. (2005). **Methodological Issues and Practices in Ethnography**. Studies in Educational Ethnography. Copyright by Elsevier Ltd. 11. 1-17.
- Woods. P. (1986). **Inside Schools Ethnography in Educational Research**. London and New York: Routledge & Kegan Paul plc .